

حقوق اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام

محمود قیوم زاده^۱

چکیده:

فمینیسم با رویکردها و دوره‌های مختلف یک هدف را تعقیب می‌کند و آن اینکه زنان در دوره‌های مختلف و ادیان متعدد از حقوق خود محرومند؛ این محرومیت در ابعاد مختلف مورد ادعا است. لکن در مسائل اجتماعی و مشارکت سیاسی نمود بیشتر داشته و حساسیت فزونتتری دارد. در مقاله حاضر علاوه بر مروری بر فمینیسم و سیر تحول آن بر این مسئله مهم پرداخته شده است که از دیدگاه اسلام حقوق اجتماعی زنان مورد تأکید بوده و مشارکت سیاسی آنان وظیفه‌ای مهم تلقی گردیده است و لازم است آنان در مسائل اجتماعی و سرنوشت خویش حساسیت داشته و مشارکتی فعال داشته باشند. نمونه‌هایی از توصیه‌های دینی در این خصوص و پارامترهای حضور سیاسی زنان مورد بررسی قرار گرفته است و ثابت گردیده که ادعای فمینیسم در این خصوص هیچ گونه پایه و اساس علمی و تاریخی نداشته بلکه خلاف آن را می‌توان در متون دینی رهگیری کرد.

واژگان کلیدی:

فمینیسم، مشارکت سیاسی، حقوق اجتماعی، اسلام، زن

طرح مسأله:

همانطور که همه واقفند نیمی از جمعیت کره زمین را زنان تشکیل داده‌اند و یکی از مسائل مهمی که امروزه در جامعه کنونی ما مطرح است مسئله زنان، مشکلات و امور مربوط به آنان می‌باشد.

در این راستا در چند دهه اخیر پژوهشهایی نیز صورت گرفته که حاکی از اهمیت فراوان این موضوع می‌باشد. بی شک تغییر و تحولات متعددی که در ساختار جوامع ایجاد می‌شود یکی از دلایل اصلی بوجود آمدن این مباحث می‌باشد. نقش زن در عرصه سیاست خود یکی از مباحث مهمی است که باید مورد توجه و تجزیه و تحلیل درست قرار گیرد، که پردازش صحیح این امر، می‌تواند راهگشای مناسبی برای حل بسیاری از مشکلات و معضلات جوامع امروزی باشد.

بررسی نقش و عملکرد زنان در جوامع بیانگر این است که آنان تاثیر بسیار مثبت و مهمی در تمام امور اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی... می‌توانند داشته باشند. مسلماً دین مبین اسلام نسبت به مسائل مربوط به زنان و جایگاه آنان در اجتماع دیدگاه مثبتی دارد.

با امید به اینکه، با فهم و درک عمیق از تعالیم نورانی اسلام و با ترسیم چهره حقیقی زن مسلمان، بتوانیم تصویرگر واقعی یک الگوی حقیقی، برای تمام زنان دنیا باشیم. نخست برای پاسخ به این سوال که زن در مشارکت سیاسی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ باید ابتدا در خصوص طرح دیدگاه فمینیسم که به چالش کشنده دیدگاههای سنتی مخصوصاً ادیان و بالخصوص دین اسلام بوده‌اند پرداخت. در این زمینه واژه و مفهوم فمینیسم روشن شده و سپس در خصوص مفهوم و شاخصه مشارکت سیاسی اشاره‌ای داشته و آنگاه مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی آنان از دید اسلام را بررسی می‌نمائیم.

واژه شناسی فمینیسم:

اصطلاح فمینیسم بر گرفته شده از کلمه «فمینین»^۱ به معنای زن یا جنس مؤنث است،

که خود از ریشه لاتینی «فمینه»^۱ گرفته شده است. در زبان فارسی برای واژه فمینیسم معادل‌هایی مانند زن‌گرایی، زنانه‌گری و آزادی‌خواهی زنانه ارائه شده است. این مفهوم برای اولین بار در سال ۱۸۷۲ توسط الکساندر دومای^۲ پسر نویسنده فرانسوی در اشاره به جنبش درحال‌پیدایش زنان مورد استفاده قرار گرفت. (بستان، ص ۱۱ و زیبایی نژاد، صص ۱۴-۱۳)

برای فمینیسم تعاریف چندی ارائه شده است «آبوت و والاس» آن را جنبشی می‌داند که بارویکردی زنانه و باهدف رفع انواع تبعیض و ستم نژادی، طبقاتی و جنسیتی علیه زنان بوجود آمده است. (آبوت، ص ۳۲۲)

در تعریفی دیگر، آن را نوعی مخالفت با هرگونه تبعیض فردی، اجتماعی و اقتصادی می‌دانند، که زنان به دلیل جنسیتشان از آن رنج می‌برند. (Bauchier, P279)

بر این اساس نمی‌توان تمامی زنان را به دلیل جنسیتشان، خودبخود فمینیست دانست، و در عین حال مردان نیز در صورت پذیرش تعریف یاد شده می‌توانند فمینیست قلمداد شوند. اما نونل کاستلز (E.castels) فمینیسم را تعهدی برای پایان بخشیدن به سلطه جنس مذکر تعریف می‌کند. وی جوهره نهضت فمینیسم را باز تعریف هویت زنان می‌داند، که می‌تواند با برابری دو جنس، جنسیت‌زدایی از تفاوت‌های زیستی و فرهنگی، تأکید بر ویژگی‌های ذاتی زنان همراه باشد. بنابر تعریف او، هر چند در جنبش فمینیسم تنوع و تکثر زیادی مشاهده می‌شود، اما تعریف مجدد از هویت زنانه در تقابل با پدرسالاری را می‌توان وجه مشترک انواع اندیشه‌های فمینیستی دانست (کاستلز، ص ۱۸-۲۱۷). بنابر آنچه بیان شد و در یک جمع‌بندی این‌گونه می‌توان گفت که:

واژه فمینیسم در تعریف کلی، مفهوم بسیار وسیعی را در بر دارد و کلیه اموری که در ارتباط با مسایل زنان است را در بر می‌گیرد، اما تاکنون تعریفی جامع و مانع از این واژه صورت نگرفته است که بتواند همه تلاش‌های تحت عنوان فمینیسم را شامل شود. به همین دلیل واژه فمینیستها بیشتر مورد استعمال قرار می‌گیرد. چرا که در فمینیسم جنبش واحدی

1- Femina.

2- Alexander Dumas.

نیست. تمام فمینیست‌ها در این باره که زنان فرودست‌اند و برای آزادی آنان باید استراتژی‌هایی اتخاذ کرد، هم عقیده‌اند، ولی در مورد علل این ستم‌دیدی و استراتژی‌های رسیدن به آزادی بین آنان اختلاف نظرهای اساسی ملاحظه می‌شود». (آبوت، ص ۱۵)

شاید تحول و تطور فمینیسم یکی از دلایل این تنوع تعاریف باشد؛ چرا که فمینیسم عقاید، آموزه‌ها و ارزشهای متنوع و گاه متضادی را در برمی‌گیرد که در چارچوب یک تعریف واحد نمی‌گنجد.

چنانچه مثلاً فمینیسم رادیکال که به دنبال اصالت دادن به زنان می‌باشد فمینیسم را کسب حقوق برابر با مردان تعریف نمی‌کند. بنابراین می‌توان با یک تعریف مبهم و کلی، فمینیسم را جنبشی برای دست‌یابی به حقوق زنان و نیز انتقادی به روابط اجتماعی و دگرگونی آن که مبنای آن بر روابط سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری است، که هدف آن صرفاً برابری حقوق زنان با مردان نیست. بلکه دگرگونی روابط سلطه که عامل آن مثبت است، می‌باشد. به نظر می‌رسد این تعریف تا حدودی بتواند نظر ما را در مورد واژه فمینیسم و جنبش فمینیسمی در این نوشتار تأمین کند.

مفهوم مشارکت^۱:

در دانشنامه سیاسی، مفهوم مشارکت را اینگونه بیان می‌کند که: رواج این مفهوم در دو دهه اخیر بوده، از آنجایی که سازمانهای سنتی دموکراسی نیز اغلب، بازیچه دست قدرتهای نامرئی می‌شدند از این رو تنها مشارکت مستقیم افراد در تصمیم‌گیریهایی که به نام دولت یا مقامات محلی، یا دستگاههای بزرگ و غیر شخصی اقتصادی گرفته می‌شود می‌تواند حقوق و آزادیهای آنان را از گزند کارها و تصمیمهای گروههای کوچک و دور از دسترس و اغلب ناشناس در امان دارد.

مسئله مشارکت تا آنجایی که به سیاست مربوط می‌شود از زمان طرح مفهوم دموکراسی می‌باشد اما از جنگ جهانی دوم به بعد، دامنه آن به حوزه‌های غیر سیاسی نیز کشیده شده است. از جمله به آموزش عالی دانشجویان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در دهه

۱۹۷۰ در اروپا و آمریکا خواستار شرکت در تصمیم‌گیریهای آموزشی بوده‌اند و مهمتر از آن، دو حوزه صنعت و اقتصاد کارگران و کارمندان چنین درخواستی داشتند. (آشوری، ص ۳۰۲)

مایکل راش در تعریفی که از مشارکت ارائه داده است چنین دارد:

مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی است... به طور اجتناب‌ناپذیری مشارکت سیاسی با اجتماعی شدن سیاسی رابطه نزدیک دارد، اما نباید آن را تنها در امتداد یا نتیجه اجتماعی شدن در نظر گرفت. علاوه بر این مشارکت سیاسی با تعدادی از نظریه‌های مهم در جامعه‌شناسی رابطه دارد. برای مثال هم در نظر نخبگان و هم در نظریه کثرت‌گرا نقشی اساسی دارد، اگر چه نقش آن در هر یک از این نظریه‌ها عموماً متفاوت است.

نظریه نخبگان:^۱ مشارکت سیاسی قابل توجه را به نخبگان محدود می‌کند و توده‌ها را عمدتاً غیر فعال و یا آلت دست نخبگان می‌داند.

نظریه کثرت‌گرایی:^۲ مشارکت سیاسی کلید رفتار سیاسی است از این جهت که عامل مهمی است در تبیین و توزیع قدرت و تبیین سیاستها. مشارکت سیاسی دقیقاً به همان اندازه در نظریه مارکسیستی دارای اهمیت است... در واقع می‌توان گفت که مشارکت سیاسی اگر به صورت محدود، به مترادف دموکراسی تعریف نشود پدیده‌ای جهانی است. نه به این معنی که همه افراد لزوماً به فعالیت سیاسی می‌پردازند و نه اینکه از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه است بلکه به این مفهوم که در همه جوامع یافت می‌شود. (راش، ص ۱۲۳)

میل برات در تعریف مشارکت چنین می‌گوید:

مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می‌گذارد و یا قصد تاثیر گذاری و نتایج حکومتی را دارد.

1- Aligation.

2- Pluralisation.

مبانی مشارکت سیاسی در غرب:

گفتمان مشارکت اندیشمندان سیاسی مردم در غرب، محصول دوران جدید و مدرنیته است. و در این دوران است که با ظهور اندیشمندانی در عرصه فلسفه و اندیشه سیاسی همانند: هابز «Thomas habes» جان لاک «john lock» منتسکیو «mon tesgieu» ژان ژاک روسو «jean jacquieu rousseAU» جان استوارت میل «jon stuart mill» و دیگران، بحث از مشارکت سیاسی با مبانی تازه و در سطح و جایگاهی وسیع مورد گفت و گو قرار گرفت که برخی از این دیدگاهها که نسبتی تعیین کننده با مشارکت سیاسی مردم دارند، در زیر به عنوان مبانی کلان مشارکت سیاسی در غرب مورد مطالعه قرار می گیرند. (دیلمی، ص ۹۶)

حقوق طبیعی انسان:

در نظر طراحان حقوق طبیعی... اصلی ترین محرک طبیعی انسان یعنی پیش از ورود او به جامعه مدنی عبارت است از میل و غریزه حفظ و صیانت و ذات، و ترس و مرگ، یعنی میل به حیات و زندگی، وجود هر میل طبیعی در انسان مستلزم حق و امکان پاسخگویی به آن است؛ این امر محور و رکن استنتاج در مکتب حقوق طبیعی است. بنابراین وجود میل به صیانت نفس مستلزم حق حیات برای انسان است.

پس، بنیاد جامعه را باید منحصرأ در میل به صیانت ذات، یا در حق آدمی به بقا باید دید و این میل و غریزه طبیعی، محور و رکن اساسی تمام نهادها و مناسبات احتمالی است زیرا حق آدمی به بقا در بر دارنده حق او در انتخاب راهها و وسایل لازم برای تامین بقای خویش است. (لواشتر، ص ۲۹۳)

۱- کفایت عقل و معارف بشری:

از منظر شارحان مکتب حقوق فطری، انسان به مدد خرد و اندیشه خود استفاده از علوم مختلف بشری اعم از علوم فلسفی و اجتماعی و قواعد منطقی، می تواند به وضعیت طبیعی اشیا و حقوق آنها پی ببرد و در این راه باید قوانین سنتی و کهنه را کنار بگذارد و نیز نیازی به یاری گرفتن از معارف و مبانی ندارد. (دیلمی، ص ۹۸)

۲- تقدم حق بر تکلیف:

در مکتب حقوق طبیعی، علت فاعلی مقدم بر علت غایی و انسان و امیال او مقدم بر اهداف، آرمانها و تکالیفی است که او در برابر آنها دارد. (همان)

۳- فرد گرایی:

در جامعه مدرن، منافع و آرای فرد آنقدر محترم است که گاهی گفته می شود تصور این که فرد باید در خدمت سلامت همگان قرار گیرد به معنای فدا کردن خوشبختی است؛ بنابراین فرد باید بر همه چیز نظارت یابد و قطعاً باید در زندگی سیاسی، اجتماعی خود مشارکت نماید و سرنوشت سیاسی خود را رقم زند. (همان)

۴- قرار داد اجتماعی، مبنای نظم اجتماعی:

افراد باید در قالب یک قرار داد و میثاق فرا گیر اجتماعی حدود آزادیها و حقوق خود را ترسیم نمایند. منشاء اعتبار و مشروعیت این قرار داد توافق ناشی از اراده آزاد افراد جامعه است. (همان)

۵- ضرورت تجدید قدرت و نظارت بر حسن اعمال آن:

تمرکز قدرت نوعاً فساد آور است و موجبات خود کامگی را فراهم می آورد. بنابراین باید، تلاش شود که در حد امکان شمار بیشتری از مردم در اعمال قدرت و حاکمیت مشارکت نمایند...

و باید مشارکت عمومی در جهت نظارت بر جریان اعمال قدرت و حاکمیت وجود داشته باشد. (همان)

شاخصه های مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی پدیده ای پیچیده تر و مبهم تر از آن است که در ابتدا به نظر می آید. طیفی از انواع مختلف آن وجود دارد. بیشتر، مشارکت را می توان پوششی برای سلسله ای از اعمال سیاسی دانست؛ اعمالی که در نهایت برای تأثیر گذاری بر سیاستهای حکومت طرح ریزی می شود.

میل برات: انواع مشارکت سیاسی را از توجه به محرکه های سیاسی مانند خواندن و

گوش فرا دادن به اخبار سیاسی گرفته تا شرکت در مباحث سیاسی و رای دادن و مبارزه انتخاباتی، اداره امور سیاسی و مناسبت‌های حزبی در یک طیف قرار می‌دهد. او همچنین اعتراضات و تظاهرات را به عنوان اشکال اضافه مشارکت سیاسی مطرح می‌کند. لستر میلبرات (۱۹۶۵) در کتاب مشارکت سیاسی خود سلسله مراتبی از مشارکت را مطرح کرده است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رای دادن در انتخابات است. او مردم آمریکا را به ۳ گروه تقسیم می‌کند:

- ۱- گلا دیاتورها: یا کسانی که غالباً در سیاست فعالند. (بین ۵ تا ۷ درصد)
- ۲- تماشاگران: یا کسانی که به حداقل در سیاست درگیرند. (در حدود ۶ درصد)
- ۳- بی‌تفاوتها: یا کسانی که در سیاست درگیر نمی‌شوند. (در حدود ۳۳ درصد) (راش، ص ۱۲۴)

رابرت وال با تصویر مشارکت به صورت مسالمت آمیز در آخرین نشر کتاب تجزیه و تحلیل جدید سیاست اعمال زیر را در قلمرو مشارکت می‌داند:

- ۱- شرکت در انتخابات ریاست جمهوری.
- ۲- شرکت در انتخابات محلی.
- ۳- فعالیت در یک سازمان درگیر حل مشکلات جامعه.
- ۴- کار با افراد دیگر برای حل برخی مسائل جامعه.
- ۵- کوشش برای یک نامزد یا حزب در طول انتخاب.
- ۶- فعالیت برای امتناع دیگران در راهی که خود عمل نمی‌کنند.
- ۷- تماس با دستگاه‌های حکومتی (محلی، ملی).
- ۸- شرکت در جلسات سیاسی.
- ۹- تشکیل گروه و سازمانی برای حل مشکلات جامعه.
- ۱۰- عضویت در یک سازمان سیاسی.
- ۱۱- پرداخت پول به یک نهاد، حزب، یا نامزد انتخاباتی.

در تصویر دیگر مشارکت، می‌توان جلوه‌های زیر را عنوان اعمال خشونت دید:

۱- آدمکشی ۲- جنگهای چریکی ۳- کودتا ۴- طغیان گروههای نظامی ۵- شورش ۶- اعتصابات ۷- انقلاب

پر واضح است که در بسیاری از جوامع بالاترین سطح مشارکت سیاسی شرکت در انتخابات است که تعداد شرکت کنندگان در انتخابات در هر کشوری فرق می‌کند، مدارک و شواهد بیانگر این مطلب هستند که مشارکت در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند.

مشارکت تا چه اندازه‌ای می‌تواند همگانی باشد؟

برای اینکه رژیمی خصلت مردم سالاری داشته باشد، نخستین شرط این است که بزرگترین شمار ممکن مردم در امور عمومی یا در صورت بندی قدرت، مشارکت داشته باشند؛ یعنی شهروندان هم ظرفیت انتخاب نمایندگان و کارگزاران حاکمیت را توأمأ دارا باشند و هم در جهت وصول به مناصب و مقامات سیاسی راه برای همه باز باشد. البته مشارکت محدود به شرکت ادواری مردم در انتخابات نمی‌شود، بلکه باید عنصر دیگری را نیز بر آن افزود تا جریان حاکمیت مردم مداوماً عمل کند؛ یعنی شهروندان باید دائماً از راه گفتار، نوشتار، تحزب، و نظارت، در کیفیت اعمال حکام و فرمانروایان موثر واقع شوند. افکار عمومی باید راهنمای سیاستمداران برای انتخاب راه و روش و سیاست‌ها و اتخاذ تصمیم‌ها قرار گیرند و خلاصه آنکه آخرین سخن با اکثریت مردم باشد. یعنی مردم هیات حاکمه را انتخاب می‌کنند و علاوه بر آن اعمال زمامداران و نهادهای حکومتی را نیز نظارت داشته و مهار نمایند. (قاضی، ج ۱، ص ۷۵۹)

مشارکت سیاسی زنان در تعالیم اسلامی:

غرب تقریباً یک صد سال است که سنگ آزادی و حقوق زنان را بر سینه می‌زند تا به امروز نه تنها نتوانسته الگو و مدل مناسبی در این زمینه ارائه دهد بلکه بر سردرگمی‌های اجتماعی افزوده و آزادی زنان را پیش از پیش دچار بحران نموده است.

اما اسلام با دیدگاه مثبت از حقوق زنان سخن می‌گوید و راه هدایت و سعادت را در قالب برنامه‌ها و دستورات اصولی و منظم دینی به آنان نشان می‌دهد و با ارائه الگوی مناسب و حقیقی از یک زن مسلمان که نمونه بارز آن حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) می‌باشد زن مسلمان را در هر چه بهتر رسیدن به کمال و یک زندگی طیبه یاری می‌دهد.

اسلام حضور زن را در فعالیتها و جنبشهای سیاسی تحت شرایط معتدل تجویز می‌کند که باید در راستای تحکیم بنیان خانواده جلوگیری از هرزگی و بی‌بندوباری و با اولویت دادن به نقش مادری زنان می‌باشد.

اما فمینیسم سیاست را در دست مردان می‌داند و معتقد است زن باید در آن دسته از مسائل سیاسی وارد شود که به آزادیش منجر می‌شود و در این راه محدودیت‌های دینی و شرعی را محدودیت‌های ادیان پدرسالاری انگارد و طلاق و جدایی از شوهر و مبارزه در این پیکار را برای هر زنی ترجیح می‌دهد. (مرادی، ص ۱۷۸)

سوالی در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه: آیا در شریعت اسلام، احکامی وجود دارد که زن را از قبول مسئولیت‌های سیاسی بزرگ و مهم باز نداشته است؟

مقامی که اسلام برای زن به موازات مرد در تمام مشترکات طبیعی و توانایی‌ها مقرر داشته است این امکان را به زن می‌دهد تا در حدود احترام به تکالیف شرعی از حیث پوشش، شکل رابطه با مرد نامحرم و مسئولیت‌های زناشویی و خانوادگی در فعالیت سیاسی، وارد شود. بدون شک زن مسلمان همگام با مرد مسلمان به مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمان جامعه اسلامی را بر دوش دارد. (شمس الدین، ص ۳۴)

همان گونه که امام خمینی در بیاناتی فرمودند:

خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تلکیفشان این است، دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش. (موسوی خمینی، تبیان، ج ۸، ص ۶۷)

همانطوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند زن هم باید در فعالیت‌های اجتماعی

و سیاسی همدوش مردها باشند البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است. (همان، ص ۷۶)

شهید مرتضی مطهری در باب فعالیت و دخالت زن در امور جامعه می‌فرماید:
موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا در مسجد مدینه و خطبه خواندن حضرت زینب در بیرون از دروازه کوفه و در مجلس یزید است که این روزها خیلی روی اینها تکیه می‌کنند و اگر جایز نبود که زن در این گونه مسائل دخالت کند، چرا حضرت زهرا(س) مداخله کرد و به مسجد آمد و راجع به حق شخصی خودش که فدک بود بحث کرد؟ همینطور چه ضرورتی داشت زینب(س) در دروازه کوفه برای مردم صحبت کند و برای زن چه ضرورتی داشت؟ چرا حضرت صحبت کرد؟ پس همه اینها می‌رساند که از نظر اسلام دخالت زن در سیاست ممنوع نیست. (مطهری، پیام زن، ص ۱۵)

زن، بیعت و حق رأی:

قرآن کریم هرگز زنان را در ردیف سفیهان، و محجوران و ضعفای فکری و عقلی به لحاظ زن بودن قلمداد نکرده است بلکه به رای و بیعت آنها با پیامبر اکرم(ص) نیز عنایت و توجه داشته و آن را معتبر شمرده است و به پیامبر(ص) می‌فرماید:
ای پیامبر! هنگامی که زنان مومن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش طلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.
قبل از استقرار حکومت اسلامی در یثرب (مدینه) مردم آن سرزمین دوبار به نمایندگی از طرف خودشان گروهی را اعزام و با پیامبر گرامی اسلام بیعت نمودند در میان هر دو گروه اعزامی زنان مساوی با مردان نقش ایفا می‌کردند تا جائیکه بیعت اول (پیمان عقبه اول) را بیعت نساء هم می‌گویند.

در این بیعت زنی به نام «حزء دختر عبید بن ثعلبه» حضور داشت و حتی برخی از مورخان بر این باورند که از آنجا که حضور زن در امری به این مهمی، آن هم در زمانه‌ای

که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود، بسیار شگفت آور می‌نمود، این بیعت، بیعت النساء نامیده شد. (طباطبایی، ج ۴، ص ۳۵۹)

گروهی نیز در وجه تسمیه این بیعت به بیعت النساء می‌گویند: چون رسول خدا(ص) با زنان مسلمان به عین شرایط مذکور در بیعت عقبه اول (که به خدا شرک نورزند، زنا نکنند) بیعت کرد و دیگر الزام به جهاد را مطرح فرمودند. لذا این بیعت را بیعت النساء نامیدند. این مفاد بیعت با زنان در فتح مکه است. در بیعت دوم که معروف به بیعت عقبه ثانی است بنا بر متون تاریخی در این بیعت دوم هم چند زن حضور داشتند؛ نسیبه دختر حارث انصاری و خواهرش، نسیبه دختر کعب از بنی خزرج، ام منیع و اسماء دختر عمرو بن عدی، این چند زن همراه با سایرین در شب ۱۳ ذی الحجه مخفیانه در منی نزد پیامبر(ص) آمدند و با آن حضرت بیعت کردند.

بیعت دیگری که در زمان پیامبر انجام شد در جریان فتح مکه بود در این بیعت تفاوتی بین زنان و مردان نبود در این بیعت حضور زنان بسیار گسترده بود و آیه‌ای نیز در همین ارتباط نازل شد. آیه ۱۲ سوره ممتحنه نحوه بیعت بدین صورت بود که فرمودند: تا ظرفی پر از آب آوردند و ایشان دست مبارک خود را در آب ظرف فرو بردند و بدین گونه بیعت واقع شد. (کلینی، ج ۵، ص ۵۲۶ و مجلسی، ج ۶۳، ص ۱۱۷)

شیوه بیعت پیامبر(ص) با زنان به وضوح نمایانگر این امر است که اگر دین مقدس اسلام اصرار بر حضور زن در صحنه اجتماع و حمایت او از دین و رهبر دین خود را دارد، تاکید بر رعایت حدود و مرزهای لازم بین مردان و زنان را نیز دارد.

علاوه بر این جلوه‌های حضور زنان در بیعتها، در کتب تاریخ و سیره به نام گروهی از زنان بر می‌خوریم که بعد از بیعت با پیامبر(ص) برای اثبات صداقت خویش در بیعت هم تلاش فراوان نمودند که از آن جمله می‌توان این زنان را نام برد: ام سلیط، که برای اثبات طاعت خود در جنگ احد همراه مسلمین شرکت کرد و همچنین در جنگ احد و خیبر هم در جبهه‌ها شرکت و خدماتی را انجام داد، «هند دختر اثاثه» «ام معبد» و «کبشه بنت اوس» و «ام عطیه انصاری» (کحاله، ص ۱۶۰) نیز از این دست زنان می‌باشند.

در عصر حاضر با ظهور انقلاب اسلامی به رهبری امام(ره) زنان مسلمان به طور

چشمگیری وارد صحنه‌های سیاست شده و نقش مؤثر و توانایی‌های خود را به منصبه‌ ظهور رساندند. بی‌شک رهبری عالمانه امام(ره) همراه با بیان و تشریح تعالیم نورانی اسلام ناب محمدی بوده است که راه را فراسوی این قشر عظیم از جامعه در آگاهی از رسالت خطیرشان باز کرده است. یکی از محورهایی که در حضور اجتماعی زنان سخت مورد تاکید حضرت امام(ره) بوده، مسئله مشارکت سیاسی آنان بوده است. در بیاناتی ایشان فرمودند:

زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زنها در جمهوری اسلامی رای باید بدهند همان طوری که مردان حق رای دارند، زنها حق رای دارند.(موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۴)

یکی از ملاکهای مشارکت سیاسی زنان، شرکت در انتخابات و دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه است. در ایران پیش از انقلاب مشارکت فعالی برای زنان ترسیم نگردیده بود؛ ولی بعد از انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل حکومت اسلامی حضور اجتماعی و فعالیت سیاسی برای همه مردم یک تکلیف تلقی و جدی شد به طوری که در انتخابات متعدد از جمله در انتخابات ریاست جمهوری زنان بارها شرکت فعال داشته و به توصیه رهبر شرکت در انتخابات را یک تکلیف الهی دانسته‌اند.

بر اساس آمار در دوره‌ای از انتخابات ریاست جمهوری، ۴۴ درصد رای دهندگان را زنان تشکیل دادند. و به طور خلاصه مشارکت زنان در تدوین و تصویب قوانین به ۳ عرصه تقسیم می‌شود:

۱- مشارکت عموم در انتخابات و تأثیر غیر مستقیم بر قانونگذاری.
زنان در همه انتخابات حضور گسترده داشته‌اند لکن نحوه حضور آنان تغییرات عمده و اساسی یافته است.

۲- مشارکت در تدوین مقدماتی قوانین در دولت قبل از تقدیم لوایح به مجلس

۳- مشارکت در تصویب قوانین در مجلس شورای اسلامی.(جلودار زاده، ص ۱۰۶)

زن، جهاد و جنگ:

قرآن هشدار می‌دهد جامعه سیاسی اسلام برای حفظ خود و ریشه کن نمودن شرارتها

باید همیشه آماده و هشیار باشید این به معنای جنگ و تعرض به دیگران نیست بلکه به معنی دفاع است که می‌فرماید همیشه مجهز به سلاح و تجهیزات باشید به محض تجاوز دشمن، حمله او را باید جمیع مسلمین (اعم از زن و مرد) دفع نمایند. (عمید زنجانی، ص ۳۱۲) قرآن می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد، (طبق شرایط زمان و مکان) به سوی دشمن حرکت نمایید. (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۷۱)

اقسام جهاد از نظر مرحوم کاشف العطاء:

ایشان جهاد را بر پنج قسم بیان نموده است؛

- ۱- جهاد برای هویت اسلام.
- ۲- جهاد برای دفاع تهاجم دشمن علیه جان و مال یا ناموس مسلمان.
- ۳- دفاع و پشتیبانی از مسلمان‌های درگیر با مشرکین.
- ۴- دفع سلطه کفار بر مسلمین.
- ۵- جهاد برای دعوت کفار به اسلام (جهاد ابتدایی). (آیت الهی، ص ۴۳)

ممنوعیت جهاد ابتدایی برای زنان:

آنچه به طور مسلم و قدرمتیقن گفته شده: برای زن جهاد ابتدایی واجب نیست و یا به تعبیر بهتر تکلیف از زن برداشته شده است، یعنی جهادی که ابتدائاً از سوی مسلمانان شروع شده، از زن برداشته شده است. (این قسم جهاد حداقل در حال حاضر مورد عملی ندارد) ولی شرکت زن در سایر اقسام جهاد ممنوع نیست بلکه ممکن است واجب نیز باشد حتی در فرض جهاد ابتدایی نیز شرکت و حضور زن برای کمک رسانی و مداوای مجروحان و انواع امداد رسانی مانعی ندارد. (همان و طباطبایی، ج ۴، ص ۳۶۰)

به هر روی اگر رزم جنبه دفاعی به خود گیرد بر زنان چون مردان واجب است که از جان و مال و ناموس، دفاع کنند. و زن می‌تواند در بخش مهمی از امور مربوط به جهاد حضور یابد، چرا که تمام جهاد، در سنگر بودن و تیراندازی کردن نیست علاوه بر کمک‌های تدارکاتی پشت جبهه نقشه کشیدن، راهنمایی کردن نیز بخش‌های مهمی از

جهاد به شمار می‌آید مگر آنان که در صحنه جنگ حضور دارند همه کار نظامی می‌نمایند. بخش قابل توجهی از آنان امور مربوط به نقشه برداری، اطلاعات جنگی و... را به عهده دارند. زنها فقط امور تنگاتنگ نظامی را که کار شاق و دشواری است، به عهده نمی‌گیرند نه این که از فیض جهاد محروم باشند. چه این که اگر کشوری در حال جنگ و دفاع است و از طرف بیگانه‌ها تهدید می‌شود زنها باید دفاع کنند و لازمه دفاع آموزش نظامی دیدن است پس در هیچ یک از این مسائل، زن را محروم ننموده‌اند بلکه در اکثر دشواریها و باربرداری و امانت داریها، در بسیاری از مصائب و مشکلات زن همتای مرد است. در جنگهای دفاعی اگر زن فرمانده لشکر زنان شود نه تنها جایز است بلکه گاهی واجب است چون دفاع اختصاصی به زن و مرد ندارد و هر جا که دفاع باشد زن همتای مرد و در همه مسائل جنگی و غیر جنگی حضور دارد. (جوادی آملی، ص ۴۱۲)

در انقلاب پیامبر خاتم محمد مصطفی (ص) و تشکیل حکومت اسلامی زنها پا به پای مردان نقش داشتند در جنگ خندق حتی دختر پیامبر حضرت زهرا(س) شرکت داشتند. در آن جنگ زنها ۳ نقش داشتند:

۱- حضور در کنار مردان جنگجو و روحیه بخشیدن به جنگجویان.

۲- کار پشتیبانی و امدادی.

۳- در صورت نیاز، سلاح به دست گرفته و از حیثیت خود دفاع کردن.

در جنگ صفین هم یکی از بزرگترین عوامل تایید و تشویق و روحیه دادن به مجاهدانی که زیر پرچم علی (ع) می‌جنگیدند زنان بودند، آنان با شعر و نثر و خطبه و سخنرانی‌های مهیج مجاهدان را به جهاد تحریک می‌کردند. (نوروزی، ص ۶۳)

در زمان پیامبر (ص) مجموعاً حدود ۷۵ جنگ (۲۷ غزه و ۴۸ سریه) واقع شد در این مقطع نیز زنان حضور داشتند و با رعایت مرزها و حدود، هر آنچه را که می‌توانستند برای خدمت به جنگاوران و حمایت از پیامبر (ص) انجام می‌دادند در این رابطه تاریخ، نام زنان بسیاری را ثبت کرده است که در اینجا به معرفی اجمال گروهی از آنان می‌پردازیم:

۱- حضرت زهرا(س): آن حضرت گاه خود نیز در صحنه‌های نبرد حضور می‌یافت و

خدماتی انجام می‌داد. از جمله نقل شده که در صحنه نبرد احد حضور داشت و خون از

چهره رسول خدا (ص) شست و بر زخم ایشان مرهم نهاد و آنگاه خود شمشیر پدر و همسرش را شستشو داد. (ابن هشام، ج ۳، ص ۱۰۶) در نبرد خندق نیز نقل شده که آن حضرت برای پیامبر (ص) نان می آورد تا ضعف جسمانی مانع از مبارزه نشود. (همان و ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۱۲۹) ایشان در فتح مکه نیز حضور داشتند.

۲- نسیبه بنت کعب: ایشان در جنگ احد مسئولیت آبرسانی به مجاهدین را به عهده داشت. در این جنگ وقتی دشمن از گذرگاهی که عده‌ای به طمع جمع آوری غنایم از آن غافل شده بودند هجوم آورد، مردان سست پیمان فرار را بر جهاد ترجیح دادند و تنها حدود ۱۰ نفر باقی ماندند تا پیامبر دفاع کنند. یکی از این ۱۰ نفر نسیبه بود که به دفاع از جان پیامبر (ص) پرداخت. در این دفاع قهرمانانه جراحات بسیاری توسط دشمن به او وارد آمد که تا آخر عمر خدا را بر نشانهای افتخار حکک شده بردنش شکر می گفت. (پیام زن، ش ۸، ص ۲۵۳)

۳- در غزوه خیبر تعداد ۲۰ زن با حضرت شرکت داشتند. ام سلمه، نسیبه، بنت کعب، ام منیع، کعبیه بنت سعد، ام فتاح، ام سلیم، بنت ملحان، ام ضحاک، هند بنت عمرو بن حزام، ام الولاء، ام عامر، ام عطیه، ام سلیطه، که حضرت را در تدارکات و پشتیبانی و مداوا یاری می کردند.

۴- امینه دختر قیس بن ابی اصلت القاری: او در جنگها حضور پیدا می کرد و برای مداوای مجرمین و تخلیه شهدا سهم موثر و به سزایی به عهده داشت. علاوه بر اینکه یک محدثه بود یک نیروی رزمی نیز بوده است. (جوادی آملی، ص ۲۹۶)

حضور زنان مسلمان ایران در جبهه‌های جنگ یکی از جلوه‌های مشارکت سیاسی می باشد که امام خمینی (ره) در این رابطه می فرمودند:

این تبلیغات که «اگر اسلام پیدا شد مثلاً زنها باید توی خانه‌ها بنشینید و قفلی هم درش بزنند که بیرون نیایند» این حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند؛ صدر اسلام زنها توی لشکرها هم بودند، توی میدانهای جنگ هم می رفتند. (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۹)

اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت بشود. باید همه مردم، زن و مرد

حرکت کنند و مساله دفاع این طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته‌ای باشد همه باید بروند و از مملکت خود دفاع کنند. (همان، ج ۱۱، ص ۱۱۷)

زنان در طول تاریخ نشان داده‌اند که در صورت لزوم و نیاز از جنگ روی گردان نبوده‌اند و در کنار مردان برای دفاع از مرزها و ارزشهای دینی و فرهنگی آماده بوده‌اند. زن ایرانی از دوران ایران باستان تا به امروز همانند مردان در دفاع و جنگ نقش فعالی داشته است. شرکت و فعالیت زنان در جنبش تنباکو یکی از نمونه‌های کوچک حضور آنان در عرصه جنگ و مبارزه می‌باشد.

۵- زینب پاشا: او یکی از زنانی است که در شهر تبریز در محیطی روستایی زاده شد، وی در خیابانهای تبریز بر ضد تصمیم ناصر الدین شده دایر به اعطای انحصار توتون و تنباکو به یک تاجر انگلیسی (۱۲۷۰ش) دست به مبارزه مسلحانه زد، گرسنگی توده‌ها را زیر فشار قرار داده بود. در حالی که چندین تن گندم در سیلواها احتکار شده بود یکی از صاحبان سیلواها فرماندار تبریز بود. زمانی که زینب پاشا از این امر اطمینان حاصل کرد، گروهی را به طرف منزل فرماندار، رهبری کرد و از جمعی که در مرض تیراندازی قوای حکومتی بودند مسلحانه دفاع کرد (۱۲۷۴ش) سه سال بعد همین شخص با گروه مسلح خود به یک سیلوی دیگر حمله موفقیت آمیزی کرد. بنابر اطلاعات موثق زینب پاشا بعدها یک بار زیارت کربلا نیز رفت که حاکی از تمایلات مذهبی اوست.

۶- در سال ۱۲۸۳ ش هنگامی که علمای مذهبی به نشانه اعتراض در مسجد شاه بست نشسته بودند عده‌ای از زنان در حفظ امنیت آن شرکت جستند، زن حیدر خان عمو اوغلی از جمله این زنان جسور بود که چماقی در زیر چادر خود حمل می‌کرد، عده‌ای دیگر از زنان، روحانیونی که مشغول عبادت بودند محافظت می‌کردند در این حال بر تعداد روحانیونی که به جنبش پیوسته، افزوده می‌شد تا اینکه بالاخره همان حکومت به جمعیت حمله‌ور شدند؛ زنان برای دفاع از روحانیون ایستادگی کردند. (کسروی، صص ۱۰۰-۹۹)

در محلهایی که در آنها نبرد مسلحانه جریان داشت، اثراتی از شرکت زنان را مشاهده می‌کنیم آنها به انجام وظایف سنتی اکتفا نمی‌کردند بلکه به خارج کردن زخمیها و اجساد کشته‌گان از صحنه نبرد، تامین آذوقه و لباس و خبررسانی می‌پرداختند حتی آنها تا آنجا

پیش رفته بود که کاشف به عمل می آمد که آنان زن بودند.

البته تعداد زنان مسلمان و متعهدی که در صحنه‌های مختلف مبارزه و جهاد در طول تاریخ شرکت می کردند کم نیست. اما تعدادی از آنان همچنان گمنام مانده و اسامی تعدادی از آنان در متون تاریخی ثبت شده است که ذکر همه آنها در مجال این مقاله نمی باشد اما ذکر نمونه‌های کوچکی از حضور زنان در جنگ تحمیلی ایران و دفاع مقدس بی فایده نیست.

زنانی که با حضور در جبهه‌های مبارزه با آن شرایط سخت در کسوت عکاس و خبرنگار و به تصویر کشیدن حقایق آن، در لباس پرستاری و پزشکی نقش خود را در مشارکت سیاسی را نمایان کردند. خانمی به نام «محمدزاده» از جمله زنانی است که اشتغال به رانندگی کامیون داشت و علاقه و تبحر او در این کار و عشق او به اسلام وی را یاری نمود که در خدمت جبهه‌های جنگ نیز موفق باشد.

ستاد «الزهر» یکی از مراکز پشتیبانی بود که در طول سالهای جنگ با استفاده از کمک‌های مردمی، خدمات بسیاری به جبهه‌ها نموده بود خدمات این ستاد توسط خواهران صورت می گرفت این ستاد در حقیقت ایستگاه صلواتی برای جبهه بود. در این ستاد از پیرزن شصت و پنج ساله تا دختر جوان ۱۸ ساله فعالیت می کردند. (ر.ج: زن و دفاع مقدس، روزنامه رسالت، ش ۳۴۱، سال ۱۳۶۵)

خواهری که بیش از هشت بار خون خود را به رزمندگان هدیه نموده بود علت این حرکت خداپسندانه‌اش را نداشتن فرزند پسر که بتواند روانه جبهه نماید مطرح می کرد و دلش می‌خواست بدین وسیله سهم کوچکی در کمک به رزمندگان داشته باشد و جان آنها را با خون خود نجات دهد. (همان)

زن و نظارت اجتماعی:

یکی دیگر از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی زن که قرآن نسبت به زنان بازگو کرده امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن می فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سِيرَ حَمْمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

حَکِيمٌ». (توبه، آیه ۷۱)

مردان و زنان با ایمان ولی (یارو یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می-کنند، نماز را بر پای دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.

در این آیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نوع ولایت اجتماعی که مومنان بر یکدیگر دارند معرفی شده است در این آیه تصریح شده است که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه مشترک زنان و مردان است.

این آیه نشان می‌دهد که جامعه اسلامی از هویتی واحد برخوردار است و ذکور و اناث این هویت را بر هم نمی‌زند. این مجموعه با هویت واحد بر یکدیگر ولایت دارند از این رو باید متصدی این فریضه و تکلیف الهی شوند. (مهریزی، ص ۱۰۴)

به یقین امر به معروف و نهی از منکر در حاکمیت و حساسیت نسبت به فسق و جور کاری سیاسی می‌باشد که مطابق آیه مذکور بر زن و مرد مسلمان واجب است. آیه در حقیقت نظارت و کنترل زنان بر کارگذاران سیاسی را نیز مطرح می‌کند. (پیام زن، ش ۸، ص ۹)

صدر اسلام، آکنده از مشارکت زنان در اصلاحات سیاسی زنانی که اسوه آنان حضرت فاطمه (س) و دخت گرامی او حضرت زینب (س) می‌باشد که خطابه‌های پر ارزش و بلیغ آنان در حمایت از ولایت در تاریخ جاوید مانده است.

در جنگ صفین، ام‌الخیر با رقیه در حالی که سوار بر شتر بود، خطاب به سپاه علی (ع) فریاد می‌زد ای مردم تقوای الهی پیشه کنید همانا قیامت امری است واقع، بدرستی که خداوند حق را آشکارا نموده و دلیل را روشن قرار داده و راه نورانی و پرچم هدایت را رفیع ساخته است. (همان)

در عهد پیامبر (ص) زنان دیگری نیز سفیر مسائل مهم سیاسی بوده‌اند از جمله: ام‌خالد که در زمره مهاجرین به حبشه بود و از او نقل می‌کنند که گفته: من در زمره آن مهاجرینی بودم که برای ابلاغ سلام نجاشی به محضر رسول خدا (ص) رسیدند و ما سلام نجاشی را به آن حضرت ابلاغ کردیم.

عملکرد سیاسی دیگری را چه بسا بتوان در خصوص حضرت زهرا(س) در مباحثه ذکر کرد.

قرآن در این باب می‌فرماید:

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده (باز) کسانی با توجه به محاجه و ستیز برخیزند به آنها بگو بیاید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌کنیم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می‌کنیم شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحثه کنیم و لعنت خدا را برای دروغگویان قرار دهیم. (آل عمران، آیه ۶۱)

نمونه‌هایی از حضور سیاسی زنان صدر اسلام که در قالب راویان امین و شاعران و حماسه سرایان متعهد ایفای نقش می‌کردند:

«سوده دختر عمار بن اسد همدانی» بعد از شهادت حضرت علی(ع) به خاطر ستمگریهای بسربین ارطاه با جسارت و شجاعتی که قوم همدانی به گفته معاویه از علی(ع) آموزش دیده بودند، شکایتش را نزد معاویه مطرح می‌کند و با ارائه اشعاری در مدح حضرت علی(ع) حق را می‌ستاند. (جوادی آملی، ص ۲۹۵)

«ام حکیم» که زمان شهادت فرزندان اشعار ادبی و حماسی و مهیج و محرک بسیاری را سرود که منجر به انتقام‌گیری از ظالم زمان «بسر بن ارطاه» شده بود و «امرء الخیر» دختر حریش بن سرمه از زنان نامدار صدر سلام است و از قدرت تکلم بالایی برخوردار و خطیب بلیغی شمرده می‌شد. دختر خالد بن سعید مشهور به «ام خالد» که جزو زنان محدثه بوده که همانند دیگر اصحاب، احادیثی را که از رسول اکرم(ص) شنیده بود برای دیگران نقل می‌کرده است. «میمه» دختر قیس بن ابی الصلت القاری که ایشان هم محدثه بودند. و روایات متعددی را از رسول اکرم(ص) نقل کرده است که تعدادی از تابعین جزء شاگردان او بودند که به وساطت این بانو حدیث را از پیامبر نقل می‌کردند. (همان)

اما در عصر کنونی، نظارت فعال و متعهدانه بر آنچه در جامعه اسلامی بویژه در اجزاء نظام اسلامی می‌گذرد و تلاش برای حسن جریان امور، وظیفه‌ای است شرعی و متوجه همه افراد جامعه، چه زن و چه مرد می‌باشد زن نیز باید در نظارت بر امور خود را مسئول

بداند. نظارت مسئولانه علاوه بر آگاهیهای لازم، نیازمند حضور فعال و اظهار نظر در مسائل است. (مرتضوی، ص ۱۱۲)

امام خمینی (ره) در این زمینه فرمودند: باید همه زنها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی واحد و ناظر باشند، هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند. (موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۷۰)

زن و شوری:

بر طبق مدارک متقن و غیر قابل انکار تاریخی، حضرت محمد (ص) دعوت زنان را می پذیرفتند و به درخواستهای مشروع آنها پاسخ مثبت می دادند و رضایت همسران را جلب می کردند و وجود با برکتش اسوه کامل اخلاق و رفتار نیکو با زنان بوده است و همینطور حضرت علی (ع) برای حضرت زهرا (س) احترام زیادی قائل بودند و وصیت نامه ایشان را نوشت و به آرزوهای حضرتش جامه عمل پوشاند. حضرت علی (ع) خشنودی زهرا (س) را خشنودی پیامبر (ص) و خشنودی خدا می دانست و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نکرد، همچنین حضرت علی (ع) هنگام هجرت از مدینه به کوفه نامه و کتابها و اسناد مهم خود را به ام سلمه سپرد طبعاً چنین کاری از مشورت مهمتر بوده است. (پیام زن، ش م، سال ۱۵ و مجلسی ج ۴۳)

بی شک عملکرد پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) می تواند دلیل جواز مشورت با زنان در بعض امور باشد. (همان)

پیامبر (ص) وقتی که پیمان حدیبیه را منعقد ساسخت، خطاب به یاران خود فرمود: به پا خیزید قربانی کنید و سر خود را بتراشید هیچ کس به آن حضرت پاسخ مثبت نداد تا جایی که چندین بار سخن خود را تکرار کرد. چون کسی بلند نشد، پیامبر نزد ام سلمه رفت و جریان را گفت، ام سلمه نظر خود را چنین مطرح کرد: ای رسول خدا (ص) بیرون برو با هیچ کس سخنی مگویی و قربانیها را ذبح کن و سر خود را بتراش. پیامبر (ص) به نظر ام سلمه عمل کرد. یاران که چنین دیدند برخاسته قربانیها را ذبح کردند و سرشان را تراشیدند تا جائیکه از شدت اندوه نزدیک بود همدیگر را بکشند. (ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۸۶)

در روایتی از حضرت علی (ع) آمده است: عن امیرالمؤمنین (ع) «ایاک و مشاوره

النساء».

از مشورت با زنان پرهیز کن، مگر زنانی که رشد عقلی در آنان آزموده باشی؛ زیرا رأی زنان غیر رشید و به نقص و حماقت منجر می شود و تصمیمشان به سستی می گراید. استثنای یاد شده (الا من جرته بکمال عقل) نشان می دهد که مشورت با زنان بی خرد ممنوع است. این نیز اختصاص به زنان ندارد که مردان بی خرد و احمق نیز مورد مشورت قرار نمی گیرند. پس نهی از مشورت به انگیزه بی خردی، صدور یافته و زن موضوعیت ندارد. بنابر این، این نهی از مشورت با زنان، متوجه زنان بی سواد و کم تجربه بوده است. همان زنانی که اکثریت جامعه آن روزگار را تشکیل می داده اند. (پیام زن، ش م، سال ۱۵)

زن و هجرت :

هجرت یکی دیگر از حرکتهای اجتماعی و سیاسی است که در صدر اسلام دوبار اتفاق افتاد. که زنان مسلمان در هر دو مهاجرت شرکت داشتند این مهاجرتها دارای ابعاد ساسی بسیاری بود از یک سو طرد و سستی نظام حاکم بر جامعه را نشان می داد و از سوی دیگر ابلاغ پیام آیین جدید را به همراه داشت و از طرف سوم تدبیر سیاسی بود برای ماندگاری و پایداری مکتب نو ظهور بدین معنا که اگر مشرکان مسلمانان را در مکه ناپود ساختند پیروان آیین نو در مکانی دیگر به حمایت و حراست آن بپردازند.

قرآن کریم در آیات متعددی از مهاجرت زنان مسلمان سخن گفته است.

اولاً: هجرت بر زنان و مردان به طور مساوی واجب می کند.

کسانی که فرشتگان (قبض ارواح) روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشان ستم کرده بودند به آنها گفتند: شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید در صف کفار جای داشتید؟) گفتند: ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم (فرشتگان گفتند) مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ آنها (سخنی نداشتند) و جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی است مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که برآستی تحت فشار قرار گرفته اند و حقیقتاً مستضعفند نه چاره ای دارند و نه راهی برای نجات از آن محیط آلوده می یابند. (سوره، نساء، آیه ۹۸-۹۷)

چنانکه روشن است تمام کسانی که از هجرت سرباز زدند در دوزخ جای می گیرند،

اگر چه مردان و زنان ناتوان و کودکان باشند. پس باید همه مسلمانان چه مرد و چه زن هجرت کنند تا دین خدا محفوظ بماند.

ثانیاً: از هجرت زنان به مدینه به همراه پیامبر به طور خاص یاد می‌کند.

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخت ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده ای و دختران عمومی تو، و دختران عمه ها، دختران دایی تو دختران خاله ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و نیز زن با ایمانی که خود را به پیامبر ببخشد مهری و برای خود نخواهد. چنانچه بخواهد او را به همسری برگزیند، اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان، ما می دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته ایم و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می‌کند. به این خاطر است که که مشکلی در ادای رسالت بر تو نباشد تا از این راه حامیان فراوانتری فراهم سازی و خداوند آمرزنده و مهربان است. (سوره، احزاب، آیه ۵۰)

ثالثاً: در آیه ای دیگر آزمون زنان مهاجر را تبیین کرده است.

در پیمان صلح حدیبیه مقرر بود که مسلمانان اگر به مدینه آمدند برگردانده شوند. اما خداوند این آیه را فرو فرستاد و زنان را از آن پیمان مستثنی کرد. دو هجرت تاریخی با شکوه و آمیخته با رنجها و خاطرات فراوان یکی هجرت به حبشه و دیگر هجرت به مدینه بود.

در هجرت حبشه که کاملاً مخفیانه صورت گرفت حدود ۸۳ مرد و ۱۸ زن حضور داشتند. (ابن سعد، ج ۱، ص ۲۰۷)

از جمله زنان در این گروه می‌توان از «اسماء بنت عمیس» نام برد که در همان روزهای اولیه رسالت پیامبر(ص) حتی قبل از آنکه ایشان به دارالارقم. و هنوز دعوت مخفیانه داشتند، بروند به آن حضرت ایمان آورد. پس از مدتها به جهت آزار شدید مشرکان به همراه همسر خود به حبشه هجرت کرد و پس از آنکه پیامبر(ص) و یاران به مدینه رفتند به همراه سایر مهاجرین حبشه عازم مدینه شد تا در جوار پیامبر(ص) به اسلام خدمت کند. از زنان دیگر مهاجر به حبشه می‌توان از ام سلمه نام برد او و همسرش ابو

سلمه از اولین خانواده هایی بودند که ایمان آوردند و پس از تشدید آزار و شکنجه به حبشه رفتند.

روزی ام سلمه نزد پیامبر (ص) آمد و از آن حضرت پرسید: چرا با آنکه زنان چون مردان در امر هجرت بودند نامی از آنان در این رابطه در قرآن نیامده است و بعد از این پرسش ام سلمه بود که آیه ۱۹۵ سوره آل عمران نازل شد.

غیر از ام سلمه، ام کلثوم و سهله دختران سهیل بن عمرو، رقیه دختر رسول خدا (ص) لیلی دختر ابو طسمه، سوده دختر زجعه، نیز از گروه مهاجرین حبشه بودند که با شنیدن شایعه آزادی در مکه به آنجا بازگشتند و تحت آزار فراوان قرار گرفتند. غیر از این زنان که تاکنون نام بردیم نام این چند تن هم در تاریخ جزو مهاجرین به حبشه آمده است. فاطمه دختر صفوان بن امیه، امینه دختر حلف بن اسعد، ام حبیبه دختر ابوسفیان، برکه دختر یسار، حسنه همسر سفیان بن حمر، حفصه دختر عمر، لیلی دختر ام حشمه بن غانم، عمره دختر سعد بن وقدان و ام حرملة. (آیتی، ص ۱۲۹)

خداوند عالم انسان را اشرف مخلوقات آفریده و زمینه های رسیدن به کمال و زندگی طیبه را برای او فراهم کرده است که زن نیز مصداقی از این مفهوم والاست. ناگفته نماند که رسیدن به این هدف و الانیاز به پیروی از آئینی دارد که او را در هرچه سریع تر نائل شدن به این مقصد شریف یاری کند. بی شک این دین مبین اسلام است که تمام نیازهای روحی، عاطفی، روانی، حتی جسمانی او را در نظر گرفته و برنامه هایی را در قالبهای دقیق و منظم ارائه داده است.

اگر زنان به این باور برسند که در انسان بودن همانند مردان هستند و به خاطر دارا بودن آن روح لطیفی که خداوند در وجود او به ارمغان گذاشته، می تواند در رسیدن به کمالات معنوی حتی از مردان گوی سبقت را برآید و اینکه این انسان متقی است که نزد خداوند از مقام والایی برخوردار است چه زن باشد چه مرد انبوهی از شبهاتی که امروزه افکار بسیاری را مشوش کرده است برطرف می شود.

شبهاتی همانند اینکه اسلام اجازه حضور و مشارکت زن در اجتماع رانمی دهد چون اسلام محدودیتهایی را برای زن قائل شده است که مانع از حضور و مشارکت او می شود.

اما با توجه به آنچه که در این مقاله کوتاه بیان شده به این نتیجه می‌رسیم که اسلام نه تنها مانع از حضور زن در اجتماع و مشارکت او در امور دینی نمی‌شود بلکه در بعض موارد حضور او را واجب می‌داند. حضور فعال حضرت زهرا(س) این الگوی تمام زنان مسلمان و متعهد و دختر گرامیش حضرت زینب(س) و بسیاری از زنان مسلمان در صحنه‌های سیاسی در صدر اسلام مویذ این مطلب می‌باشد. چه اینکه اگر غیر از این بود حضور اینان مورد سوال خداوند و نبی او قرار می‌گرفت و همچنین زنان همراه با رعایت حد و مرزهای شرعی است که می‌توانند حضور مستمرتری داشته باشند. چه بسا امروزه می‌بینیم که زنانی بر طبق الگوهای نادرستی که از غرب گرفتند از راه بی‌خطر و روشن که اسلام جلو روی آنان باز کرده منحرف شده و دچار بحران و سردرگمی‌ای شده‌اند که برای نجات خود به هر مستمسک سستی در قالبهای گوناگون متوسل شدند.

با امید به اینکه روزی برسد که زنان جهان به این واقعیت برسند که تنها قوانین اسلام می‌باشد که از تمام حق و حقوق آنان دفاع کرده و آنان را به آنچه که باید برسند می‌رساند.

یکی از پرنج‌ترین این سفرها هجرت «فاطمه بنت اسد» می‌باشد. از امام صادق(ع) روایت شده که فرمودند: بدرستی که فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی(ع) اولین زنی بود که به سوی پیامبر(ص) پیاده از مکه به مدینه مهاجرت کرد. (کلینی، ج ۱، ص ۳۷۷)

در حقیقت هجرت زنان مسلمان اقدامی سیاسی می‌باشد که ابعاد مختلفی دارد. از سویی به معنای طرد و نفی نظام حاکم بر جامعه است و از سوی دیگر به مفهوم ابلاغ آیین جدید به مراکز مستعد در جهان می‌باشد. علاوه بر آن هجرت، اساسی‌ترین اقدام جهت تأسیس حکومت اسلامی و تقویت این حکومت نوپا بود. (همان)

در اینجا بحث هجرت زنان و زنان مهاجر در تایخ را با روایتی که از قول امام باقر(ع) در بحارالانوار جلد ۵۲ صفحه ۲۲۳ نقل شده است به پایان می‌رسانیم که توصیف می‌نماید که با شروع قیام حضرت مهدی(عج) چگونه زنان نیز همگام با مردان برای یاری آن حضرت به سوی او هجرت می‌نمایند.

قسم به خدا که سیصدواندی که در میان آنان ۵۰ زن در مکه و در غیر میعاد حضور

دارند و چون ابرهای پاییزی بدنبال هم اجتماع می نمایند و مصداق این آیه خواهند بود که هر کجا که باشید خداوند شما را خواهد آورد. بدرستی که خداوند بر همه چیز قادر است.

نتیجه گیری:

بر اساس آنچه مطرح گردید بخوبی می توان قضاوت کرد که اولاً: پیدایش نهضت فمینیسم از ابتدا بر اساس یک طرح مشخص و هدف ایده آلی استوار نبود بلکه مسائل احساسی به همراه سوء استفاده برخی سیاسیون در نُضح و شکل گیری آن و جریانات متعاقب آن نقش داشته است. ثانیاً: مدعای فمینیستها در خصوص عدم وجود حقوق برای زنان در ادیان در ابعاد مختلف بویژه در حوزه اجتماعی و مشارکت سیاسی غیر واقعی بوده و حداقل نمی توان چنین مسئله ای را برای اسلام ثابت نمود و ثالثاً: از منظر و دیدگاه اسلام مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی زنان بخوبی ترسیم شده و جهات آن مشخص است. به گونه ای که علاوه بر حقی که بانوان در این خصوص دارند، مشارکت سیاسی وظیفه ای هر زن مانند یک مرد می باشد و متغیرهایی در دین تعیین گردیده که این مشارکت سیاسی را مسجّل و حقوق اجتماعی زنان را معین می کند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- آبوت پاملا و والاس کلر، جامعه شناسی زنانه، ترجمه: منیژه نجم عراقی
- ۴- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۸ش
- ۵- ابن اثیر، عزّ الدین ابوالحسن، الكامل فی التاريخ، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۱۴ق.
- ۶- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، قاهره: مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۵۵ق.
- ۷- ابن ابی الحديد، محمد بن علی، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۹م
- ۸- آیت الهی، زهرا، زن، دین، سیاست،
- ۹- ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۹۵۷م.
- ۱۰- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- ۱۱- جلودار زاده، سهیلا، زن، دانشگاه و فردای بهتر.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم نشر اسراء، ۱۳۷۷ش.
- ۱۳- راش، مایکل، جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری
- ۱۴- زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی سبحانی، در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، دارالثقلین، ۱۳۷۹ش.
- ۱۵- شمس الدین (آیت الله)، محمد مهدی، مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه: محسن عابدی.
- ۱۶- طباطبائی (علامه)، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
- ۱۷- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات

- (سمت)، ۱۳۸۱ش.
- ۱۸- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت(ع)، ۱۳۴۸ش.
- ۲۰- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹ش
- ۲۱- کاستلز، امانوئل، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، قدرت هویت،
- ۲۲- لواشتر، اوس، حقوق طبیعی، ترجمه: باقر پرهام
- ۲۳- مجموعه مقالات، اسلام و فمینیسم، ج ۲، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد، ناشر: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ش.
- ۲۴- موسوی خمینی(ره) (امام)، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره).
- ۲۵- موسوی خمینی(ره) (امام)، سید روح الله، تبیان، جلد ۲۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- ۲۶- مجلسی (علامه)، محمد باقر، بحارالانوار فی درالاجبار الاثمه الاطهار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- ۲۷- مهریزی، مهدی، زن، قم: نشر خرم، ۱۳۷۷ش
- ۲۸- کحاله، عمر رضا، اعلام النساء المؤمنات، مؤسسه الرساله، بیروت؛ لبنان، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۹- مرتضوی، سید ضیاء، امام خمینی و الگوهای دین شناختی در مسائل زنان
- ۳۰- نوروزی، علی، منزلت زن ایرانی
- ۳۱- روزنامه رسالت، شماره ۳۴۱، سال ۱۳۶۵، فاطمه هادی پور، زن و دفاع مقدس.
- ۳۲- مجله پیام زن، سال اول، ش پنجم، مرداد ۱۳۷۱، زن و جامعه در نگرش استاد مطهری(ره).
- ۳۳- مجله پیام زن، ش م، سال ۱۵، مقاله: سید محسن سعید زاده
- ۳۴- مجله پیام زن، سال ششم، شماره ۸، مقاله: زهرا آیت الهی.
- ۳۵- مجله اندیشه حوزه، ش ۸ و ۴، مقاله آقای احمد دیلمی.
- 36- Bauchier, David, the feminist challenge: the movement for womens liberation in Britain and the united state, London: Macmillan. 1983.